

سیاست خارجی ایران در زمان پادشاهان صفوی

روابط ایران و پرتغال

تقلم آقای نصرافندی

۲

جزیره هرمز آن زمان در اروپا نیز بزرگانی و ثروت و عظمت معروف بوده است، چنانکه «لویز دو کامونس»^۱ شاعر ملی معروف پرتغالی در منظومه دهم از «لوزیاد»^۲ خویش این جزیره را چنین ستوده است :

« این کشور بزرگ و پرافتخار ایرانست که مردان جنگ آزهوده نستوه آن بر نغمه رود بدیده حقارت مینگرند و بزور و بازوی آهن آسای شمشیر زن خویش می بالند، جزیره جرون را هم که هوسرانی روزگار اکنون در جاه و نام جای نشین شهر هرمز کهن ساخته است از خاطر دور مدار . »
و «میلتون»^۳ شاعر انگلیسی نیز در «در بهشت مفقود»^۴ خویش در ضمن توصیف تختی گوید :

«بر فراز تختی نشسته بود که در شکوه و جلال از ثروت و مال هرمز و هند و جواهر و مرواریدی حسابی که دست سخاوتمند شرق بر پای پادشاهان خود می ریزد سبق می برد.»
و هم آن زمان در شرق از راه مثل می گفتند که «اگر دنیا حلقه انگشتری باشد هرمز نگین آنست.»

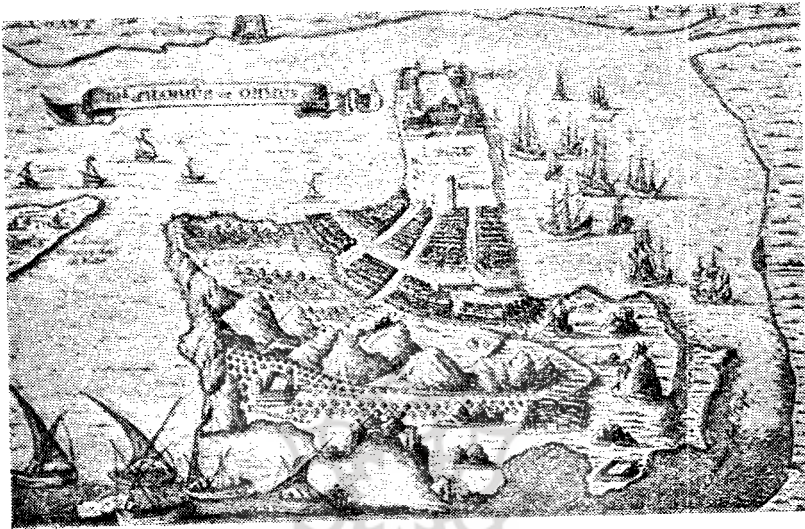
۱ - لویز دو کامونس (Luis de Camoens) از شعرای معروف پرتغالست که او را نظیر هم Homère یونانی و ویرژیل Virgile رومی می شمردند . این شاعر در سال ۱۵۲۴ میلادی (۹۳۱ هـ) تولد یافت و در ۱۵۷۹ م . (۹۸۷ هـ) در گذشت و مدتی از عمر خویش را در هندوستان و چین بسر برد . منظومه لوزیاد او از جمله شاهکار های ادبی اروپاست .

Lusiades — ۲

۳ - میلتون «Milton» از بزرگترین شاعران انگلستان است که در سال ۱۶۰۸ میلادی (۱۰۱۷ هـ) در لندن تولد یافت و در ۱۶۷۴ (۱۰۸۵ هـ) در گذشت و در زندگانی خویش معاصر با دوران پادشاهی «چارلز اول» و حکومت «کرمول» و سلطنت «چارلز دوم» بوده است . معروفترین آثار او منظومه «بهشت مفقود» است .

Le Paradis perdu — ۴

شهر جدید هرمز تا دو بیست سال اهمیت و اعتبار و قدرت فراوان داشت و امرای هرمز کهن چون در جزیره جرون مستقر شدند کم کم دایره تسلط خود را تا جزائر کیش و بحرین و حدود بصره توسعه دادند^۱.



شهر و جزیره هرمز پس از استقرار پرتغالیها در آن جزیره

چنانکه پیش ازین اشاره کردیم در سال ۹۱۳ هجری (۱۵۰۷ میلادی) آلفونسو دو آلبوکرک باشش کشتی بعزم تسخیر

حملة آلبوکرک
بهرمز

هرمز روی بخلیج فارس نهاد و در راه شهر مسقط از بلاد

۱ — بیست و یکمین امیر جزیره هرمز موسوم به «توران شاه» کتابی در تاریخ جزیره

هرمز و حکومت خاندان خویش بزبان فارسی نگاشته بوده است که ظاهراً «تاریخ امرای هرمز» نام داشته و یکی از سیاحان پرتغالی موسوم به «پدرو تکسرا» (Pedro Teixeira) (متولد در حدود

۱۵۷۰ میلادی - ۹۷۸ ه.) مختصری ازین تاریخ را در سفرنامه خود (که در سال ۱۶۱۰ م.

۱۰۱۹ ه.) در آنور «Anvers» از شهرهای بازیک بطبع شده) نقل کرده است ولی از آن مختصر مطلب مهمی در دو مجلد بفرانسه ترجمه و در پاریس طبع شده)

در تاریخ هرمز بدست نمی آید. همین قدر معلومست که دوازدهمین امیر هرمز رکن الدین محمود نام داشته و ۳۵ سال امارت کرده و ظاهراً حکومت او مقارن با سفر مار کوپولو در حدود

سال ۱۲۹۲ م. (۶۹۲ ه.) بوده است. تکسرا در سفرنامه خود می نویسد «در جزیره هرمز (یا مغستان) شاهزاده جوانی حاکمست که برعایای خود ظلم بسیار روا می دارد از آنجمله فرمان

داده است که از رعایای او هر کس عروسی میکند باید شب اول زن خویش را نزد وی فرستد! « این مسافر در سال ۱۶۰۵ م. (۱۰۱۴ ه.) در هرمز بوده است.

عمان را که از شهر های مستحکم و پر جمعیت و خراجگزار امیر هرمز بود با برخی دیگر از بنادر عمان تصرف آورده آتش زد و در برابر شهر جدید هرمز لنگر انداخت. ^۱ همراهان آلبو کرک چون عظمت شهر جدید هرمز و کشتی های جنگی و سپاهیان مجهز جزیره را که در ساحل صف بسته بودند مشاهده کردند بیمناک و در کار خویش مردد شدند.

درین زمان امیر هرمز کودکی دوازده ساله بنام سیف الدین بود و یکی از غلامان وی موسوم بخواجه عطار که مردی کاردان و دلیر بود بعنوان نیابت سلطنت بر جزیره حکومت میکرد. این مرد چون از حماة آلبو کرک آگاه شد چهارصد کشتی بزرگ و کوچک که حامل ۲۵۰۰ سپاهی بود در ساحل گرد آورد و از ممالک همسایه مانند ایران و عربستان نیز مردان جنگی فراوان اجیر کرد و سپاهی مرکب از سی هزار مرد مسلح فراهم ساخت که از آن جمله چهار هزار تیر انداز ماهر ایرانی بودند.

آلبو کرک نخست بامیر هرمز تکلیف کرد که گردن باطاعت پادشاه برتغال نهد و خراجگزار وی گردد ولی چون خواجه عطار تکلیف او را نپذیرفت با وجود کثرت سپاهیان دشمن و کمی قوای خویش فرمان جنگ داد و عاقبت بفتح نائل گردید و امیر هرمز را تابع و خراجگزار دولت برتغال ساخت و مبالغ پنج هزار زرافین بول برتغال (قریب ۱۵۰۰ تومان) از وی غرامت جنگ گرفت و مقرر شد که همه سال نیز پانزده هزار زرافین بدولت برتغال خراج دهد. همچنین آلبو کرک با امیر هرمز قرار دادی بست که از امتعه و اجناس برتغالی بیش از مقداری معین حقوق گمرکی نگیرد و مال التجاره هرمز نیز در برتغال از پرداخت عوارض معاف باشد. بعلاوه هیچیک از سفائن بومی بی اجازه مخصوص مأمورین برتغال در خلیج فارس بتجارت نپردازند. سپس بر آن شد که در جزائر هرمز و نواحی اطراف آن مانند قشم و بنید و امثال آنها قلعه ای بسازد و عاقبت محل «مورونا» را در جزیره هرمز انتخاب کرد و در آنجا قلعه ای مستحکم بنا نهاد (اکتبر ۱۵۰۷ م. - جمادی الثانی ۹۱۳ ه. -). علاوه بر آن تجارتخانه بزرگی نیز در شهر هرمز تأسیس نمود و مقدار فراوانی مال التجاره بدانجا فرستاد و بامسالمین باب معامله و داد و ستد را مفتوح کرد و برای جلب رضای مردم دستور داد که اجناس را بسیار ارزان بفروشند.

اندکی پس ازین وقایع شاه اسماعیل پادشاه ایران از امیر هرمز خراج معمول را مطالبه کرد، و امیر هرمز ناچار به آلبو کرک مراجعه نمود و از وی تکلیف خواست. امیر البحر پرتغال باو پیغام فرستاد که «ما هرمز را بزور توانائی گرفته ایم و متعلق باعلیحضرت «دم مانول» پادشاه پرتغالست و امیر هرمز را حق آنکه جز باو پادشاه دیری خراج دهد نیست، و گرنه او را از امارت خلع خواهیم کرد و کسی را که از پادشاه ایران بی‌می نداشته باشد بجای او خواهیم نشاند.» پس از آن مقداری گلوله توپ و تفنگ و باروت بفرستاده امیر هرمز داد و گفت: «بامیر بگو بجای خراج اینها را نزد شاه اسماعیل بفرست، چه پادشاه پرتغال بما فرمان داده است که جواب دشمن را بجز با اینگونه اشیاء ندهیم. من پس از آنکه بنای قلعه هرمز پایان رسید بسواحل خلیج فارس خواهم تاخت و تمام نقاط ساحلی آنرا که اکنون در دست شاه اسماعیل است بنام پادشاه پرتغال تصرف خواهم کرد.»^۲

در سال ۹۱۴ (۱۵۰۸ م.) بعزت اختلافات شدیدی که میان ملاحان و صاحب منصبان بحریه پرتغال پدید آمد آلبو کرک ناچار جزیره هرمز را ترک گفت و به هندوستان بازگشت و از تعقیب فتوحات خود در خلیج فارس چشم پوشید و چون در سال ۹۱۵ (۱۵۰۹ م.) آلمیدا از نیابت سلطنت هندوستان معزول شد بجای وی بدان مقام منصوب گشت. پس از آن بواسطه انقلاباتی که در بندر «گوا» مرکز متصرفات پرتغال در هندوستان روی داد آلبو کرک تا سه سال نتوانست از هندوستان دور شود. در سال ۹۱۸ بعزم تسخیر بندر عدن و شهر مکه حرکت کرد ولی بمقصود خویش نرسید و فقط خراج هرمز را وصول کرده بازگشت. سال بعد از پادشاه پرتغال بدو فرمان رسید که بتسخیر عدن و باب المندب رود و راه بحر احمر را برسفائن پرتغالی باز کند. آلبو کرک این بار بایست کشتی بزرگ و ۲۵۰۰ سپاه بجانب عدن رفت ولی باز کاری از پیش نبرد و مایوس بازگشت.

۱ - (Don Emmanuel) Dcm Manoel معروف به بختیار «Fortuné» که از ۱۴۹۵

تا ۱۵۲۱ میلادی (۹۰۱-۹۲۸ هـ) سلطنت کرد.

۲ - خاطرات آلفونسو دالبو کرک، نقل از کتاب خلیج فارس، تالیف سر آرنولد

ویلسن انگلیسی.

پس از مراجعت آلبو کرک به هندوستان سفیری از جانب شاه اسماعیل نزدوی آمد و با وی معاهده‌ای دوستانه بست^۱. در همان سال آلبو کرک برادرزاده خود «پرو» را با چند کشتی برای سرکوبی اعراب عدن که بمتصرفات پرتغال تجاوز کرده بودند بدان ناحیه فرستاد و پرو پس از آنکه برخی از سفائن تجارتنی اعراب را اسیر کرد در ربیع‌الاول سال ۹۱۹ هـ (۱۵۱۴ م.) برای وصول خراج هرمز بدان جزیره رفت. ولی سیف‌الدین امیر هرمز چون در حمایت شاه اسماعیل درآمده بود از آزادی خراج خود داری کرد و پرو ناچار به هندوستان بازگشت.



آلفونس دالبو کرک

پس از مراجعت پرو آلبو کرک بر آن شد که خود بجزیره هرمز رود و بنیان تسلط پرتغال را در آن جزیره استوار سازد. پس در محرم سال ۹۲۱ هـ (فوریه ۱۵۱۵) ۲۶ کشتی و ۲۲۰۰ سپاه راه خلیج فارس پیش گرفت. در راه باو خبر رسید که در جزیره هرمز انقلابی برخاسته و شخصی بنام «رئیس حامد» امیر هرمز را محبوس و جزیره را تصرف کرده است. پس خود را بشتاب بدان جزیره رسانید و دید رنگ شهر را گدوله باران کرد. رئیس حامد از بیم امیر هرمز را آزاد کرد و با آلبو کرک

از در صلح درآمد و سپاهیان پرتغالی باسانی بر قلعه شهر دست یافتند و بیرق پرتغال را بر فراز قصر امیر هرمز برافراشتند.

۱ — در تواریخ و منابع اروپائی که در دسترس است از نام سفیر مذکور متنی این معاهده سخنی در میان نیست. در منابع ایرانی هم که اساساً از دیگرانه مطالب کمتر نشانی میتوان یافت.

اندکی پس ازین وقایع سفیر دیگری از جانب شاه اسماعیل نزد آلبو کرک رفت و قرار دادی با شرایط ذیل بین دولتین ایران و پرتغال بسته شد :

۱ - قوای بحری پرتغال با لشکر کشی پادشاه ایران به بحرین و قطیف مساعدت کنند .

۲ - جزیره پرتغال در فرو نشانیدن انقلابات سواحل باوچستان و مکران با دولت ایران یاری نمایند .

۳ - دولتین ایران و پرتغال بایکدیگر متحد شوند و با ترکان عثمانی بجنگند . علاوه برین شاه اسماعیل یکباره از جزیره هرمز چشم پوشید و موافقت کرد که امیر هرمز از آن پس تابع و خراجگزار پادشاه پرتغال باشد و دولت ایران در امور آنجزیره مداخله ای نکند .

در همان سال آلبو کرک برادر زاده خود پرو را بریاست قوای پرتغالی هرمز گماشت و بهندوستان بازگشت و بمحض ورود به بندر گوا در ۱۵ دسامبر ۱۵۱۵ (ذیقعده ۹۲۱) درگذشت .

از مرگ آلبو کرک تا زمان شاه عباس اول ،
اوضاع هرمز و خلیج فارس
 یعنی تا اواخر قرن دهم هجری دولت پرتغال
 در خلیج فارس اقتدار فراوان داشت و سفائن آن
از مرگ آلبو کرک تا
پادشاهی شاه عباس بزرگ
 دولت از طریق هرمز که مرکز تجارت ایشان
 در نواحی خلیج بود با غالب بنادر جنوبی ایران و سواحل عربستان تا بصره معامله و
 تجارت انحصاری داشتند . درین مدت دست تسلط ایشان روز بروز بر سواحل ایران
 درازتر شد ولی مراکز تجارتی نواحی دریای عمان و خلیج فارس مانند مسقط و هرمز
 و بحرین بواسطه ستمکاری و آزمندی ایشان راه ویرانی و زوال سپرد .

پس از آلبو کرک شخصی بنام «لوپوسوارز» بنیابت سلطنت هندوستان رسید
 و در زمان حکومت او مأمورین پرتغالی بفرمان «دمامانول» پادشاه پرتغال گمرک جزیره
 هرمز را در دست خویش گرفتند (۹۲۹ ه . ۱۵۲۲ م .) و بیعت اجحاف و ستمکاری

ایشان در هرمز و بحرین و مسقط و برخی دیگر از نواحی خلیج انقلابات شدید برخواست و گروهی از مستحفظین قلاع پرتغالی نقاط مزبور بهلاکت رسیدند. امیر هرمز هم درین میان جرأتی یافت و قلعه پرتغالی جزیره را محاصره کرد ولی چون از مسقط بمستحفظین قلعه کمک رسید از بیم شهر را آتش زد و جزیره قشم گریخت و در آنجا بقتل رسید، و فرزند سیزده ساله او بنام محمود شاه جانشین وی گردید.

پس از آن نایب السلطنه جدید هندوستان که «دم دوارت دومنز» نام داشت در کنار رودخانه میناب با امیر تازه قرار دادی بست و بموجب این معاهده امیر هرمز فرمانروائی شاه پرتغال را در جزیره و متصرفات آن بنا بر تعهدی که پدرش با آلبو کورک کرده بود تصدیق نمود (۹۳۰ هـ - ۱۵۲۳ م.).

حوادث اخیر مقارن بود با وفات شاه اسماعیل و پادشاهی شاه طهماسب اول. در دوره سلطنت این پادشاه از جانب ایران برای تصرف جزائر هرمز و قشم و کوتاه کردن دست مأمورین پرتغالی ازین جزائر و سایر بنادر جنوبی ایران اقدامی نشد، چه از طرفی شاه طهماسب در دوران پادشاهی خویش بیشتر یاد رویایات غربی گرفتار جنگ با حریف زورمندی چون سلطان سیلیمان خان قانونی پادشاه عثمانی بود و یاد در خراسان بدفع حملات ازبکان اشتغال داشت و فرصت آنکه بسواحل جنوبی توجهی کند نمی یافت، و از طرف دیگر درین زمان قوای بحری پرتغال در اقیانوس هند و دریای عمان و خلیج فارس بی رقیب بود و آندولت با کشتی های جنگی خویش بر تمام مراکز تجارتی هندوستان و سواحل عمان و خلیج فارس تسلط داشت و باز گرفتن جزائر و بنادر ایران زمانی امکان پذیر بود که دولت ایران یا خود بتهیه سفائن جنگی و قوای بحری پردازد و یا از دولتی که در قوای مزبور با دولت پرتغال همسری بتواند کرد یاری جوید و هیچیک ازین دو امر در دوره پادشاهی شاه طهماسب اول انجام پذیر نبود. بنابراین تا پایان سلطنت آن پادشاه و از آن پس نیز تا زمانیکه سفائن هلندی و انگلیسی با قیانوس هند و دریا های جنوب ایران آمدند پرتغالی ها در متصرفات خویش

فرمانروای مطلق بودند و فقط گاه، چنانکه خواهد آمد، دولت عثمانی موجب اختلال آسایش تجارتی ایشان می گشت.

پس از معاهده میناب منرس امیر هرمز را بجزیره بازگردانید و خود با غنائم فراوان به هندوستان بازگشت ولی در مراجعت آگاه شد که «دم واسکودو گاما» نامی بجای او بنیابت سلطنت منصوب شده است.

بعد از واسکودو گاما نیز شخصی بنام «لپوواز»^۱ نایب السلطنه هندوستان شد و پس از وی «نونود کونها»^۲ بدین مقام رسید و این شخص برای اینکه از اوضاع متصرفات پرتغال آگاه شود بسواحل خلیج و جزیره هرمز آمد (۹۳۵ هـ - ۱۵۲۸ م.) و در سال بعد یکی از سرداران پرتغالی موسوم به «تاوارز دوسوزا»^۳ نیز که بنواحی بصره مأمور شده بود بهرمز بازگشت. شخص اخیر از طرف پادشاه پرتغال مأمور شده بود که با امیر بصره در جنگ با امیر جزیره (که ظاهراً مقصود جزیره الخضریه اعبادان است) مساعدت کند. ولی چون امیر بصره از تسلیم هفت کشتی از سفائن عثمانی که در تصرف داشت بسر دار پرتغالی امتناع کرده و از تجارت ترکان عثمانی هم در بصره جلو گیری نموده بود دوسوزا برخی از متصرفات او را آتش زده بهرمز مراجعت کرده بود و این واقعه را بایستی نخستین لشکر کشی پرتغالی ها بقسمت علیای خلیج فارس شمرد. در همین سال نیز نایب السلطنه سفائنی بجزیره بحرین که در آنجا برضد امیر هرمز شورشی برخاسته بود فرستاد ولی کشتیهای پرتغالی شکست یافته بازگشتند.

در سال ۹۴۹ هـ (۱۵۴۲ م.) چون امیر هرمز خراج معمول را بنایب السلطنه هند پرداخته و پانصد هزار دوکاپول اسپانیول (قریب ۸۵۰۰۰۰ تومان) مقروض بود و قدرت پرداخت آنرا نیز نداشت «مارتیم آلفونسو»^۴ نایب السلطنه هند از مطالبات گذشته

Dom Vasco de Gama - ۱

Lopo Vaz - ۲

Nuno de Cunha - ۳

Tavarez de Sousa - ۴

Ducat - ۵

Martim de Alfonso - ۶

چشمه پوشید و قرار بر آن نهاد که عواید گمرکی جزیره از آن پس بدستاری مأمورین برتغال جمع آوری شود و چون ازین زمان حکومت برتغال مطالبات خود را از عوائد گمرک بر میداشت هیچگاه پرداخت خراج هرگز بتعویق نیفتاد.

از سال ۹۵۷ هـ. (۱۵۵۰ م.) میان ترکان عثمانی و برتغالی ها در خلیج فارس نزاعی در گرفت. چه درین سال اعراب قطیف قلعه آنجا را بترکان سپردند و امیر بصره را نیز از محل خود خارج کردند. امیر مزبور ناچار از «آلفونسو دونورونها» نایب السلطنه هندوستان کمک خواست و در عوض موافقت کرد که برتغالیها در بندر بصره قلعه ای بسازند. نایب السلطنه نیز نوزده کشتی و هزار ودویست مرد جنگی بفرماندهی «آتونیدونرنها» بکمک امیران قطیف و بصره روانه کرد و نوروونها پس از ویران ساختن قلعه قطیف رو ببصره نهاد ولی یکی از پاشایان ترک او را فریب داده بهرمز بازگردانید و تسخیر بصره براو میسر نشد.

در همان سال دولت عثمانی یکی از سرداران خود بنام «پیریگ» را با شانزده هزار سپاه و چند کشتی بخلیج فارس روانه کرد. پیریگ سفائن برتغالی را که بجای گیری وی فرستاده شده بود شکست سخت داد و بندر مسقط را پس از هجده روز محاصره بتصرف آورد و فرمانده سپاه برتغال را اسیر نموده بامقداری غنائم جنگی از آنجا بجزیره هرمز حمله برد، و چون نتوانست قلعه برتغالی آن جزیره را بگشاید شهر را غارت کرد و بجزیره قشم رفت و از آنجا باغنائم فراوان بخاک عثمانی بازگشت و در سال ۹۵۹ در قسطنطنیه بقتل رسید.

پس از پیریگ دولت عثمانی سردار دیگری بنام مراد بیگ را با ۱۵ کشتی بخلیج فرستاد و در سال ۹۵۹ میان سفائن برتغال و عثمانی در سواحل ایران جنگهای سخت واقع شد و بالاخره در سال بعد برتغالیها سفائن عثمانی را که فرمانده آنها علی چابی نام بود بکلی معدوم کردند و بار دیگر در سواحل خلیج فرمانروای مطلق شدند.

پس از آن نیز ترکان عثمانی چندین بار ببحرین و مسقط و برخی دیگر از بنادر عربستان که در قلمرو و نفوذ دولت برتغال بود تاختند ولی از تاخت و تاز خود نتیجه ای نگرفتند. در همین اوان بین خان لار و امیر هرمز نیز منازعه ای روی داد ولی امیر هرمز بکمک سپاه برتغال امیر لار را مغلوب نمود و بر قلعه شمیل که در تصرف وی بود دست یافت.